۲

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

انجام انتخابات نباید به هیچ چیزی مشروط شود

ص۲

تسوید و تصویب لوایح قانونی

ص۵

دور ششم سال سوم شمارهٔ دهم چهارشنبه ۲۰ جوزا ۱۳۸۳ ۲۰ ربیع الثانی ۱۴۲۵– 9 June 2004

حامد کرزی به امریکا رفت



حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان باهیأتی از اعضای کابینه به خاطر اشتراک در کنفرانس سران هشت کشور صنعتی روز دوشنبه ۱۸ جوزا عازم ایالات متحدهٔ امریکا گردید.

این سفر زمانی صورت می گیرد که مدت کمی به انتخابات ریاست جمهوری باقی مانده است. قانون انتخابات که پس از تصویب کابینه در مطبوعات نشر گردید، بیشتر مورد آن قابل تأمل است وانتقاداتی از جانب شخصیت های سیاسی وفرهنگی بر آن مطرح شده است.

در حالی که تعدادی از کاندیداهای ریاست جمهوری آیندهٔ کشور بر این اصل قانونی تأکید می ورزند که آقای کرزی باید ۷۵ روز قبل از انتخابات از پستش استعفا دهد. وی به هدف اشتراک در یک کنفرانس بین المللی عازم ایالات متحدهٔ امریکا شده و ملاقات هایی با مقامات بلند پایهٔ امریکا خواهد داشت وسخنرانی هایی در مراکز علمی و انجمن تاجران ایراد خواهد کرد.

قبل از عزیمت آقای کرزی به سوی امریکا از وی در مورد نتایج مذاکراتش با رهبران جهادی پرسیده شد وی جواب آن را به زمان برگشت از امریکا موکول نمود. صاحب نظران به این باورند که مسألهٔ انتخابات ریاست جمهوری وپارلمانی آینده وکاندیداتوری آقای کرزی مهم ترین موضوع این سفر وملاقات ها را می سازد.

زلمی خلیل زاد:

در صورتی که برنامهٔ خلع سلاح عملی نشود انتخابات پارلمانی باید به تعویق افتد

به گزارش منابع خبری، آقای زلمی خلیلزاد سفیر ایالات متحدهٔ آمریکا و نمایندهٔ خاص رئیس جمهور آن کشور در افغانستان گفته است که اگر در برابر برنامهٔ خلع سلاح، فرماندهان محلی مخالفت کنند، ممکن نیست که انتخابات پارلمانی صورت بگیرد. اما به برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در وقت معین آن تأکید ورزیده است.

آقای خلیلزاد افزوده است که دلیل معقولی برای مخالفت با برنامهٔ جمع آوری سلاح در افغانستان وجود ندارد. او هم چنان گفته است که مخالفت با روند جمع آوری سلاح در افغانستان به معنای بردن این کشور به سوی یک جنگ داخلی دیگر است.

آقای خلیلزاد این سخنان را پس از دیدارش با نماینده گان احزاب سیاسی در افغانستان ایراد کرد.

وی تأکید کرد انتخابات ریاست جمهوری افغانستان که همزمان با انتخابات پارلمانی قرار است برگزار شود، باید در موعد مقرر تدویر یابد..

به گفتهٔ خبرنگاران مقامات امریکایی معتقدند اگر شبه نظامیان افغانستان سلاحهای سنگین خود را حفظ کنند، آنها می توانند بر ترکیب پارلمانی تأثیر گذار باشند.

این در حالی است که سخنگوی گروه بازسازی ولایتی بریتانیا، در یک کنفرانس مطبوعاتی در مزارشریف، گفته است که ژنرال عطا محمد ، فرمانده قول اردوی شماره هفت و دیگر فرماندهان ارشد در شمال افغانستان نه تنها مانع عملی شدن روند جمع آوری سلاح نشده اند، بلکه از همکاران مهم تطبیق این برنامه در شمال بوده اند

پیشتر سفیر ایالات متحدهٔ امریکا در افغانستان در یک بیانیهٔ رادیویی صریحاً از شبه نظامیان سراسر افغانستان خواسته بود تا بدون بهانه سلاحهای خود را به دست اندرکاران برنامهٔ جمع آوری سلاح بسپارند.

در گفته های آقای خلیلزاد نکتهٔ جالب این است که اگر موجودیت سلاح در مناطق مختلف کشور می تواند مانعی در برابر انتخابات پارلمانی باشد، چرا این مانع در برابر انتخابات ریاست جمهوری وجود ندارد؟

ضرورت تفاهم وهمگرایی در انتخابات

ص۲

دشواری های انتخاب در قانون انتخابات

ابوبکر سبزوار

به تاریخ هشتم جوزای سال روان قانون انتخابات از توشیح رئیس جمهور گذشت. این قانون دارای یازده فصل و شصت و دو ماده می باشد.

آنچه که در همان آغاز مؤثریت این قانون را زیر سوال برد توضیحی بود که عبدالرحیم کریمی وزیر عدلیه در مورد رئیس دولت داد. او که دریک کنفرانس مطبوعاتی در کابل سخن می گفت در جواب سؤالی اظهار داشت:

مقامات سیاسی دولتی که خود را در انتخابات کاندیدا می نمایند مطابق این قانون باید هفتاد و پنج روز قبل از انتخابات از پست خود استعفا دهند. اما برای این که خلای قدرت به میان نیاید، رئیس دولت انتقالی اسلامی نمی تواند از مقام فعلی خود استعفا بدهد.

در ماده« سیزدهم در مورد شرایط کاندیدا ها آمده است:

اعضای حکومت، قضات، سارنوالان و کارکنان ملکی که خود را کاندید پست ریاست جمهوری، شورای ملی، شوراهای ولایتی و شوراهای ولسوالی ها نمایند مکلف اند۷۵ روز قبل از تدویر انتخابات از وظیفه استعفا نمایند. ص۳

دیدگاه ها پیرامون قانون انتخابات



دکتر طاهر هاشمی:

در قانون انتخابات معیارهای حقوقی کمتر رعایت شده است

قانون انتخابات اخیراً از توشیح رئیس دولت گذشت و همزمان با انتشار این قانون ، شخصیت های سیاسی و دانشمندان، دید گاه ها و نظریات شان را در بارهٔ محتوای آن ابراز داشتند.

دکتر طاهر هاشمی استاد فاکولتهٔ حقوق و علوم سیاسی و عضو کمیسیون تدوین قانون اساسی افغانستان در گفتگویی با گزارشگر مجاهد نظرش را در مورد قانون انتخابات ابراز نموده است که فشردهٔ آن را در سطور زیر می خوانید.

در مورد قانون انتخابات این سوال مطرح می شود که در تدوین آن چه کسانی و با کدام صلاحیت مسلکی سهم داشتند. نظر من این است که باید در کمیسیون تدوین قانون انتخابات تعدادی از اعضای کمیسیون قانون اساسی اشتراک می داشتند زیرا قانون انتخابات بعد از قانون اساسی در درجهٔ دوم قرار دارد. از لحاظ مواد و محتوا باید با قانون اساسی مطابقت داشته باشد. و آنها با آگاهی بیشتر از مواد قانون اساسی می توانستند تطابق این دو قانون را نزدیک و عملی سازند.به گونه یی واضح به مشاهده می رسد که معیارهای های حقوقی در این قانون کمتر رعایت شده است.

ص ۷

دکانګرس غړیو افغانستان ته د زیاتو پیسو غوښتنه وکړه

دامریکا دمتحده ایالاتو دخبري رسنیو له لیاري داسي مقالي او مطالب خپریږي چي ګني دبوش اداري له افغانستان څخه خپل پام بلي لوري ته اړولي دي او هغه لګښتونه چي افغانستان ته په پام کي نیول شوي په عراق کي لګول کیږي چي په دي اړوند دامریکي دنړیوالو اړیکو دکمیټي استازو په یو غونډه کي دامریکي دبهرنیو چارو په وزارت کي دافغانستان د چارو دانسجام مسئول ویلیام تیلر په دي هکله په دریو تکو ټینګار کړي لومړي په ملي اردو کي د وسله والو ادغام. دنیشه ئي توکو پرخلاف دمبارزي او دټول ټاکنو لپاره پرمختګ.

تیلر دانتخاباتو په باب یادونه وکړه چي دنوم لیکل دوام لري خو زیات کارونه او اوږده لاره لا پاتي ده. ده وویل: دوه میلیونه او اته سوه زرو کسانو دنوم دثبتولو یادونه وکړه په داسي حال کي چي اته یا نه میلیونه کسان باید نومونه ولیکي او دایوه ډیره لري لاره ده چي باید ووهل شي.

ده وویل: دسپتامبر ۷مخ

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

انجام انتخابات نباید به هیچ چیزی مشروط شود

آقای زلمی خلیل زاد سفیر ایالات متحدهٔ امریکا ونمایندهٔ ویژهٔ رئیس جمهور آن کشور در افغانستان اخیراً در یک نشست باشماری از فعالان سیاسی در کابل گفته است که اگر فرماندهان محلی مانعی بر سر راه خلع سلاح ایجاد کنند انتخابات پارلمانی آیندهٔ افغانستان به تأخیر می افتد.

بی گمان روند خلع سلاح شبه نظامیان غیر مسؤول یکی از نیازمندی های بازگردانیدن ثبات واستقرار کامل به افغانستان به شمار می رود که بدون این کار و یا پیوستن تمامی نیروهای مسلح به ارگان های نظامی وامنیتی نمی توان به امنیت وثبات در این کشور چشم دوخت، اما بسته دانستن این کار به امر انتخابات در اظهارات اخیر آقای خلیل زاد شک وگمان ها وپرسش هایی فراوان را در اذهان مطرح می کند.

مسلماً مردم و دولت افغانستان وجامعهٔ جهانی وبه ویژه ایالات متحدهٔ امریکا هرکدام به امنیت وثبات در افغانستان نیازمند است واین امنیت وثبات به گونهٔ گسترده در آینده بستگی به انجام عدالت مندانهٔ این انتخابات در هردو بخش آن انتخابات ریاست جمهوری وانتخابات پارلمانی دارد. انجام این انتخابات در توافق نامهٔ بن هم به عنوان یکی از اساسی ترین عوامل گذار به جامعهٔ با ثبات در افغانستان پس از جنگ خوانده شده است. هرنوع تلاش در جهت سبوتاژ انتخابات، وتعویض ومنحرف کردن مسیر آن ویا مانع ایجاد کردن بر سر راه آن، تلاش برای بی ثبات کردن افغانستان وبرهم زدن امنیت در آن به شمار می رود.

انتخابات ریاست جمهوری وانتخابات پارلمانی دو روی یک سکه است، آسیب رسانیدن به هریکی از آن دو دیگری را زیانمند می سازد. جدایی قائل شدن میان این دو انتخابات ظن وگمان های دوران لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی را - که گفته می شد مقصد از آوردن فاصله میان دو انتخابات انجام ندادن انتخابات پارلمانی است- تقویت می کند که اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان مردم در آن لویه جرگه بر همزمان بودن اجرای این دو انتخابات پای فشردند وآن را وارد قانون اساسی کردند.

اگر افراد مسلح مانعی در راه انجام انتخابات به شمار می روند، باید این مانع را دولت در طی دوسال از حاکمیت خود به گونهٔ لازم بر می داشت، کما این که اگر این مانع واقعاً وجود دارد به هیچ وجه نمی شود آن را تنها مانعی در سر راه انتخابات پارلمانی ونه انتخابات ریاست جمهوری دانست!

این حرف ها بیشتر این گمان ها را در اذهان تداعی می کند که برخی درافغانستان در پی آوردن یک نظام مردم سالار راستین نیستند بل می خواهند بدین اسم ورسم یک حکومت مورد نظر خویش را به وجود آورند.

هرگونه تلاش در جهت ایجاد یک حکومت منهای پارلمان تلاشی در جهت تحکیم یک نظام دکتاتوری تازه است که مشروعیت همه تلاش های جامعهٔ جهانی را در افغانستان زیر سؤال می برد واین کشور را - خدای نخواسته - در سراشیب یک بحران تازه قرار می دهد.

محمد نسیم فقیری

ضرورت تفاهم وهمگرایی

وچند نکته در بارهٔ مذاکرات اخیر

نشست های برخی از رهبران وفرماندهان بزرگ جهادی با رئیس دولت انتقالی وتوافق روی یک سلسله اصول وکلیات که به نام "آجندای ملی" یا "اصول مشترک تفاهم" نامیده شده است، واکنش های متفاوتی را در جامعه به دنبال داشته وبه صورت گسترده در رسانه ها نیز انعکاس یافته است.

مردم رنج کشیدهٔ ما توقع دارند تا درپی سال ها جهاد ومقاومت وتحمل مصائب وسختی های بی شمار، آینده یی روشن توأم با رفاه، آسایش وآرامش را درپیشرو داشته باشند وکشور از هرنوع تنش، بحران، کشمکش وبی ثباتی در امان بماند.

در نشست های یاد شده روی یک سلسله اصول وارزش ها توافق صورت گرفته است و نباید آن را توافق بر سر تقسیم قدرت خواند

بر این بناست که رهبران وفرماندهان جهادی سعی دارند تا به خاطر استقرار صلح، ثبات وآرامش کامل وبرگزاری انتخابات آزاد، سالم ومنصفانه و در یک فضای اعتماد، حسن نیت، تفاهم وهمگرایی به پیشواز انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات شورای ملی بروند وبه مردم وجامعهٔ جهانی اطمینان بدهند که در جهت مصالح علیای کشور وباوجود ملاحظات وایراداتی که ار "توافق نامهٔ بن" بدین سو دارند- حاضرند که برای حفظ وحدت ملی وپاسداری از ارزش های جهاد - ونه فقط تقسیم قدرت- با همه جهت ها وبه ویژه رئیس دولت که کاندیدای مهم ریاست جمهوری نیز می باشد، مفاهمه ومذاکره نمایند.

در بارهٔ این تفاهم وهمگرایی، باید چند نکتهٔ مهم را به صورت واضح و روشن بازگو نمود:

۱- این نشست ها، مذاکرات وتوافقات در مطابقت کامل با احکام قانون اساسی ومصالح ملی کشور صورت گرفته است.

رهبران وفرماندهان جهاد نقش بسیار برجسته، مؤثر وانکار ناپذیر در جهاد مقدس ونجات کشور داشته اند و در شکل گیری تحولات مملکت در حال وآینده نیز خواهند داشت، واساساً وضع امروز وفردای کشورباعملکردها وموضع گیری های آنان گره وپیوند دارد و این حق مشروع وقانونی آنان است که با رئیس دولت ومهمترین کاندیدای ریاست جمهوری در مورد آیندهٔ کشور، مذاکره ومفاهمه نمایند وبه توافقاتی دست یابند. همچنین رئیس دولت نیز حق دارد که در مورد آیندهٔ کشور باعمده ترین نیروهای موجود ومطرح در جامعه مذاکره نماید وقول وقرار هایی داشته باشد.

۲- نشست ها وتوافقات مذکور را نمی توان به هیچ صورتی با دیدارها ومشغولیت های روزمرهٔ رئیس دولت، همردیف خواند؛ زیرا مذاکرات وتوافقات مذکور دارای ارزش واهمیت فوق العاده بوده وبا سرنوشت کشور پیوند وارتباط دارد.

۳- توافقات مذکور را به هیچ وجه نمی توان ائتلاف نامید، زیرا ائتلاف میان گروه ها واحزاب شکل می گیرد ومعمولاً دراز مدت وغیر مشروط می باشد. حال آن که در توافقات مذکور برخی از احزاب وفرماندهان جهادی وشخص رئیس دولت طرفین توافق راتشکیل می دهند ومشروط به برنده شدن آقای کرزی در انتخابات ریاست جمهوری است؛ زیرا ایشان نه رهبر کدام حزب سیاسی اند ونه از کدام حزبی نمایندگی می نمایند!

٤- در نشست های یاد شده روی یک سلسله اصول وارزش ها توافق صورت گرفته است و نباید آن را توافق بر سر تقسیم قدرت خواند. ولی ناگفته نباید گذاشت که توافق بر سرتقسیم قدرت نیز نه تنها کدام عمل غیر قانونی وغیر متعارف در فرهنگ سیاسی جوامع مختلف دنیا نمی باشد بلکه یک عمل کاملاً قانونی ومعمول در اکثر کشورها ویکی از مشخصات مبارزات انتخاباتی در دموکراسی های دنیاست.

یک کاندیدای ریاست جمهوری حق دارد که به احزاب وشخصیت های مهم وعده بدهد که در صورت برنده شدن چنین وچنان خواهد کرد واحزاب وشخصیت های مهم نیز حق دارند که حمایت خویش را از یک کاندیدا به تحقق واجرای خواسته ها وتوافقات خویش مشروط بدانند.

۵- آنچه که کاملاً مبرهن وآشکار است، تصمیم نهایی وفیصله کن مردم ورأی دهندگان است که هر نوع توافق، معامله وقول وقرار را نهایی، عملی وقابل اجرا می سازد.

شاید یک کاندیدای ریاست جمهوری وعده بدهد که در صورت حمایت احزاب وشخصیت های مورد نظر در انتخابات ریاست جمهوری، او از تمام امکانات دست داشته - در محدودهٔ قانون- جهت پیروزی کاندیداهای آن احزاب در انتخابات شورا، انتخاب رئیس شورای ملی ویا تعیین وزرا، استفادهٔ خواهد کرد؛ ولی همهٔ این مطالب بسته ومشروط به بدست آوردن اکثریت پارلمانی است. زیرا این شوراست که رئیس خود را خود تعیین می نماید ونه رئیس جمهور!

واین شوراست که تعیین وزرا توسط رئیس جمهور را تأیید و یا رد می نماید واز همه مهمتر برنده شدن یا شکست رئیس دولت در انتخابات ریاست جمهوری آینده است که سر نوشت توافقات مذکور را مشخص می سازد و در صورت پیروزی رئیس دولت در انتخابات، مرحلهٔ دوم یعنی وفا به عهد وپیمان واخلاص وصداقت در جهت عملی شدن توافقات، فرا می رسد واین یک آزمون بزرگی است که فرا روی رئیس دولت قرار دارد.

بنا براین، تمام کسانی که به مذاکرات وتوافقات مذکور خوش بین ویا بدبین هستند، باید اطمینان داشته باشند که فقط مردم و رأی آنان است که سرنوشت هرنوع تفاهم وتوافق را رقم می زند بنا براین همه ناگزیریم تا منتظر برگزاری انتخابات ونتایج آن باشیم.

توافق صورت گرفته است و نباید آن را توافق بر سر تقسیم قدرت خواند. ولی ناگفته نباید گذاشت که توافق بر سرتقسیم قدرت نیز نه تنها کدام عمل غیر قانونی وغیر متعارف در فرهنگ سیاسی جوامع مختلف دنیا نمی باشد بلکه یک عمل کاملاً قانونی ومعمول در اکثر کشورها ویکی از مشخصات مبارزات انتخاباتی در دموکراسی های دنیاست

دشواری های انتخاب در ...

دلیل این که اعضای حکومت باید در صورت کاندیدا شدن از وظیفه استعفا دهند باید این باشد که این افراد در صورت داشتن وظیفهٔ رسمی ممکن است از امکانات، نفوذ و قدرت دولتی خویش در جهت جلب آرای مردم استفاده نمایند و این خود تعادل را به ضرر کاندیداهایی که فاقد امکانات دولتی اند برهم می زند.

در میان کاندیدا ها فقط آقای کرزی است که در طول بیش از دونیم سال گذشته از طریق رسانه های خبری مطرح بوده و امکان داشته است تا در مورد برنامه های آیندهٔ خویش از این تریبون استفاده کند

اگر دلیل همین باشد، پس کسی که عملا بر مسند ریاست جمهوری قرار دارد، از امکانات بسیار گسترده تر از یک قاضی برای استفاده از قدرت برخوردار است. حتی اگر بپذیریم که رئیس جمهور خود به حدی پاک نفس و پیرو قانون باشد که مستقیما دست به سوء استفاده از قدرت نزند، از تأثیرات روانی بر مسند قدرت بودن وی در ذهن رأی دهندگان چگونه می توان جلو گرفت؟ از نظر روانی در کشوری چون افغانستان، چنین کاندیدا در موقعیتی کاملا برتر از هرکاندیدایی دیگر قرار می گیرد. این که گفته می شود استعفای رئیس جمهور خلای قدرت به میان می آورد، خود نوعی تلقین روانی در ذهن رأی دهندگان است که این شخص خلایی مهم را که با حضور خویش پر کرده و با کنار رفتن وی باید در انتظار عواقب نامطلوب خلای قدرت بود. در این جاست که می بینیم این قانون خود، راه را به روی یک رقابت سالم می بندد و رئیس دولت را در موقعیتی برتر از دیگران قرار می دهد.

بعضی ها با استناد به قانون اساسی کشور هایی چون ایالات متحدهٔ امریکا معتقدند که این کار خدشه یی به انتخابات آزاد وارد نمی کند. در امریکا رئیس جمهور اگر کاندیدای دورهٔ بعد هم باشد در جریان انتخابات با حفظ کرسی خویش در انتخابات ریاست جمهوری شرکت می کند.

این دوستان باید در نظر داشته باشند که دموکراسی فرمولی نیست که در هر گوشه یی از جهان یک سان قابل تطبیق باشد. دموکراسی در کشور های غربی حاصل ده ها سال تجربه است که در این دوران طولانی ملت از رشد سیاسی لازم برخوردار گردیده و در عین حال نهاد های دموکراتیک در آن کشورها از استحکام و پختگی لازم برخوردار شده اند. دو حزب سیاسی با هم درگیر رقابت انتخاباتی اند که هردو از امکانات مساوی برای تبلیغات بهره می گیرند و مردم بیشتر از این که به شخص رأی دهند، به برنامه های انتخاباتی احزاب رأی می دهند. وابستگی حزبی بیشتر از شخصیت مطرح بحث است.

رسانه های خبری در طول بیست و چهارساعت مردم را در جریان آخرین تحولات قرار می دهند و در آخر هفته احصائیه هایی در مورد فیصدی آرای مردم به دو حزب به نشر می رسد. آیا می توان وضع کشور ما را با امریکا یک سان دانست؟

در کشور ماآکثریت کسانی که واجد شرایط رأی دهی اند از گرفتن کارت خودداری کرده اند. در این گرایش، ترس از تفنگ و تروریسم نقش اساسی ندارد بلکه اکثریت کسانی که کارت نگرفته اند به این باورند که رأی آنان نتیجهٔ انتخابات را تغییر نخواهد داد. بقای کرزی بر مسند قدرت پس از انتخابات این باور را در ملت تقویت خواهد کرد. آیا با این روحیه می توان به سوی یک انتخابات منصفانه رفت؟

نکته یی دیگر که در این قانون باید به آن پرداخت مسألهٔ جمع آوری ده هزار کارت رأی دهی از طرف هر یک از کاندیداها و ارائهٔ آن به دفتر انتخابات است. این که شخصی فقط به محض کاندیدا شدن از حمایت ده هزار نفر برخوردار باشد خود سوال برانگیز است؛ در شرایطی که مردم در مورد برنامه های یک کاندیدا چیزی نمی دانند و هنوز او به عنوان یک کاندیدای رسمی مبارزهٔ انتخاباتی خویش را آغاز نکرده است، ده هزار نفر چگونه رأی خود را به دامن وی بریزند؟ در میان کاندیدا ها فقط آقای کرزی است که در طول بیش از دونیم سال گذشته از طریق رسانه های خبری مطرح بوده و امکان داشته است تا در مورد برنامه های آیندهٔ خویش از این تریبون استفاده کند. در مورد سایر کاندیدا ها مردم حتی با نام بسیاری از آنان آشنا نیستند. ده هزار نفر با چه ملاک و معیاری به حساب این اشخاص اعلام جانب داری نمایند؟ با توجه به شرایط خاص کشور ما چنین شرطی می تواند دو تأثیر داشته باشد یکی تقویت تمایلات قومی و فرقه یی و دیگری خرید کارت به وسیلهٔ کاندیدا های برخوردار از امکانات مالی.

مشکل دیگری که از نظر تکنیکی وجود دارد نبود یک آمار دقیق جمعیت در کشور است. تعداد کرسی های شورای هر ولسوالی بر شمار جمعیت نفوس آن ولسوالی و از ولایت بر بنیاد جمعیت ولایت می تواند موجب نارضایتی گردد. این که دولت چگونه تشخیص خواهد داد که جمعیت فلان ولسوالی یا ولایت چند نفر است خود یک معضلهٔ بزرگ است. قانون انتخابات در این مورد می گوید:

ریاست عمومی احصائیهٔ مرکزی ارقام رسمی نفوس یا نفوس تخمینی هر ولایت را حد اقل نود روز قبل از تاریخ انتخابات تهیه و بدسترس کمیسیون مستقل انتخابات قرار می دهد.

اکثریت کسانی که کارت نگرفته اند به این باورند که رأی آنان نتیجهٔ انتخابات را تغییر نخواهد داد

در مورد پرداخت پول حق الشمول به کمیسیون انتخابات از طرف هر کاندیدا از کاندیدای ریاست جمهوری تا شورای ولسوالی نیز جای انتقاد است. وزیر عدلیه گفت که در کشور های دیگر نیز چنین پولی از کاندیدا ها دریافت می شود تا بخشی از هزینهٔ انتخابات جبران گردد. در قانون نیز بدست آوردن در صد خاصی از رأی برای کاندیدا در هر کرسی در نظر گرفته شده است که در آن صورت پول حق الشمول مسترد خواهد شد.

اما به نظر می رسد که این کار نوعی ممانعت از شامل شدن کسانی است که از امکانات مالی برخوردار نیستند.

به صورت عمومی می توان گفت که قانون انتخابات با شکل وشمایل کنونی اش زمینه ساز مسابقه یی فقط با یک اسپ است و در مسابقه یی که فقط یک اسپ شرکت نماید، نتیجه از قبل مشخص خواهد بود.

قانون باید عملي بڼه ولري نه نظري

زکوخیل

په هره ټولنه کي د ټولنيز ژوند دسمون له پاره قانون ته اړتيا ده، چي دقانون په سيوري کي دټولنيز ژوند ټول اړخونه داسي تنظيم شي، چي هرچاته دخپلو دندو او حقوقو اندازه روښانه او څرګنده شي. هرڅوك خپل او د نورو حقوق د قانون په هنداره کي وګوري او له هغي سره سمي ورځني چاري سمبال او پرمخ بوزي. پوښتنه پيدا کيږي چي کوم قانون؟ ځواب څرګند دي، هغه قانون، چي عملي بڼه ولري نه يوازي دکاغذ پرمخ!

دا څرګنده خبره ده، په کومه ټولنه کي چي قانون نه وي، هلته هر ډول ټولنيز ارزښتونه تر پښو لاندي کيږي او د ټولني د غړو په روا حقوقو ناروا تيري کيږي له دي امله ويلي شو چي دقانون يو دنده دټولنيز ژوند سمون او د وګړو د روا حقوقو ساتنه ده. ځکه نو پراخي پرګني دقانون شتوالي او موجوديت ته پوره پوره مينه او ليوالتيا لري، ترڅويي روا غوښتني دقانون په سيوري کي له هر ډول تيري او تجاوز څخه خوندي وي.

په ګران هيواد افغانستان کي هم له درويشت کلنو تپل شويو او خپل منځي جګړو او نا خوالو وروسته د پراخو پرګنو هيله د قانون جوړښت او رامنځ ته کيدل و. داکار دخلکو له غوښتنو او آرزو ګانو سره سم څو مياشتي پخوا دهيواد دمنتخبو استازيو له خوا تر سره شو يعني اساسي قانون تصويب شو.

دافغانستان رنځيدلي او ځوريدلي ولس هيله درلوده چي دقانون له رامنځته کيدو سره سم به پخوانيو ناخوالو ته دپاي ټکي کيښودل شي او داځوريدلي اولس به دهوسيايي او آرامي ساه، وباسي.

اوس چي دقانون له تصويب څخه مياشتي تيريږي خو په ټولنيز ژوند کي دقانون څه مثبته اغيزه نه تر سترګو کيږي. دهيواد پراخي پرګني لکه چي په تيرو درويشتو کالو کي دقانون او قانونيت له نشتوالي ځوريدي او ځوريږي. خلك په ويره، ډار او نا امنی کي شپي ورځي سبا کوي. غلا، چور، چپاول، په ورځني عادت بدل شويدي. په ښاري ژوند کي ګډوډي، بي نرخي له ښاري مقرراتو سر غړونه. په دولتي او شخصي شتمنيو او جايدادونو دختيمو اچول دکلتور يوه برخه ګرځيدلي ده. په دولتي ادارو کي بډي اخيستل او بيروکراسي نيمه رسمي بڼه نيولي ده. دا او داسي نور دهغو ټکو يادونه ده، چي دقانون په موجوديت او شتوالي کي يي پرګني تر سپوږمو راوستي دي.

پوښتنه پيدا کيږي چي دقانون له موجوديت سره سره داناخوالي ولي ورځ په ورځ زياتيږي؟ ځواب څرګند دي، چي قانون يوازي د کاغذ پرمخ ليکل شوي دي. دهغي د تطبيق قوت او يا اجرائيه قوه نشته، چي له قانون څخه ساتنه وکړي، هرهغه چاته چي له قانون څخه سرغړونه کوي، دقانون له حکمونو سره سم سخته جزا ورکړي.

څرګنده خبره ده چي په دولت او حکومت کي چي دقانون دتطبيق اوپلي کيدو توان او قوت نه وي، خامخا پر روا حقوقو نا روا تيري کيږي اوبس!

د دي هيواد رنځيدلي خلك ديوي روښانه راتلونکي او دملي مشرتابه دټاکلو په هيله، ډلي ډلي دټول ټاکنو دپيژند پاڼو دويش مرکزونو ته روان دي. هيله من دي، چي له دي ټول ټاکنو وروسته به زموږ په ځانګړي او ټولنيز ژوند کي دپام وړ بدلونونه رامنځ ته شي. دټولنيز ژوند هر اړخ به دقانون له حکمونو سره سم سمبال او تنظيم شي نور به هر ډول نا روا او تيري ته دپاي ټکي کيښودل شي او دهيواد هر وګړي به په هوسا او آرام ډول خپلو ورځنو چاروته په ډاډمنه توګه دوام ورکړي.

دهمدي ستري او سپيڅلي هيلي دپوره کيدو په هيله!

اندرزهای شاهنامه

سهراب پرند

بخش نخست

شاهنامهٔ فردوسی، یکی از گنجینه های ماندگارادبیات کهن فارسی و یکی از شاهکارهای شعر حماسی دنیا می باشد. بی جا نیست که آن را برتر از ایلیاد و اودیسه هومرشاعر بلند آوازهٔ یونان باستان می دانند که بیشترینه افزون ازبرتری های دیگر، شاهنامه به علت داشتن نکات و حکمت های آموزنده و نصایح سودمندش در دنیا بی نظیر است.

زندگی فردوسی خود نمونه یی از درد و رنج یک انسان آ گاه و برتر است که عمری برای انجام یک رسالت و دین بزرگ خون دل خورد و در راه شرف و عزت خود و نیاکانش زیست و پس از سی سال تلاش، شرفنامه ء نیاکانش رانوشت و درحالی که رسالت بزرگش را به انجام رسانیده بود ، در حسرت انجام آن دیگری دنیا را وداع گفت و فرمان یافت.

همت بلند و اندیشه های ناب و پاکیزه ء فردوسی را می توان از لابلای اشعار بلندش در شاهنامه دریافت، که در پی آوردن یک داستان و روایتی تاریخی و افسانه یی، در شاهکار عظیمش شاهنامه ، نتیجه ء علمی ، بخردانه و سنجیده می آورد که امروز پس از گذشت ده قرن از آن ، هنوز ناب و تازه و بکر و منطبق به زمان است .

در کنار ده ها مورد آموزنده یی که فردوسی به آن اشاره می کند، یگی هم تأ کید اوبه نیکی ورزیدن و پرهیز از بدی است که می توان جای پای این اندیشه را در بسیار جاهای شاهنامه دید.

ضحاک نمادی از خون آشامی و پلیدی ودشمن خرد و عقل است که می توان این پندار را در شاهنامه به خوبی دریافت نمود. وقتی سرانجام به دست فریدون درچاه دماوند د ربند می شود، فردوسی می گوید:

بیا تا جهان را به بد نسپریم
به کوشش همه دست نیکی بریم
نباشد همی نیک و بد پایدار
همان به که نیکی بود یادگار

وجای دیگر گوید :

بدان را زبد دست کوته کنید
همه موبدان بر خرد ره کنید
همه نیکویی بادتان پایگاه
بروشن روان بادتان جایگاه

ویا :

خنک آن کزو نیکویی یادگار
بماند اگر بنده گر شهریار

وقتی کاووس شاه پس از کیقباد برتخت شاهی می نشیند ، زال که پدر رستم جهان پهلوان بود، در مقام نصیحت به او می گوید :

اگر بردباری سر مر د نیست
به نا بردباران بباید گریست
خردمند پیروز با هنگ و سنگ
به نیک و بد خود شناسد درنگ
ترا باد خوبی و شادی و کام
زگیتی به خوبی برآورده نام

سیاوش فرزند کاووس شاه چون به نیرنگ گرسیوز برادر افراسیاب گرفتار می شود، افراسیاب فرمان می دهد تا سر از تنش جدا کنند ، پیلسم برادر پیران ویسه از پهلوانان توران، خطاب به افراسیاب می گوید :

زدانا شنیدم یکی داستان
خردمند، بدینگونه همداستان
که آهسته دل کی پشیمان شود
هم آشفته را هوش در مان شود
شتاب وبدی کار اهریمن است
پشیمانی و رنج جان تنست
سری راکه باشی بدوپادشاه
به تیزی بریدن نباشد روا

زال رستم را از جنگ با اسفندیار منع می کند ، به رستم می گوید آنچه اسنفدیاراز تو می طلبد بدان عمل کن. رستم دستور پدر را نمی پذیرد و می گوید او از من تقاضا دارد تا دست بسته نزد پدرش بروم و این کار از من ساخته نیست و در مقام ملامت ، زال به رستم می گوید :

نگوید چنین مردم سالخورد
بگرد در ناسپاسی نگرد

کتایون زن گشتاسب ، مادر اسفندیار ، فرزند را نصیحت می کند که قصد بستن دست رستم جهان پهلوان را مکن، می گوید :

زگیتی همی پند مادر نیوش
ببد تیز مشتاب و بر بد مکوش
مده از پی تاج سر را به باد
که با تاج کس خود زمادر نزاد
بدوزخ مبر کودکان را بپای
که دانا نخواند ترا پاک رای
هرآنکس که یک روز زاید به پیش
خردمندی اورا بود نیز بیش

بهمن ، فرزند اسفندیار، به رستم پیغام اسفندیار می رساند، که پدر می خواهد ترا دست بسته نزد گشتاسب شاه ببرد . رستم سخنان نصیحت گونه می گوید، خواهم رفت ولی نه با دست بسته :

سخن های ناخوش زمن دور دار
ببد ها دل دیو رنجو ردار
مگوی آنچه هرگز نگفته است کس
به مردی مکن باد را در قفس
بزرگان به آتش نیابند راه
بدریا گذر نیست بی آشناه
همان تابش ماه نتوان نهفت
نه روبه توان کرد با شیر جفت
بهرزه زدل دور کن خشم و کین
جهان را به چشم جوانی مبین

پسران اسفندیار، در جنگ با فرامرز، برادر رستم کشته می شوند. اسفندیار خشم می گیرد و به رستم سخنان بد می گوید . رستم باز نرمی پیشه می کند و می گوید که آنان را توبیخ می کنم، دست می بندم تا به جرم این گناه، کشته شوند، ولی دست از جنگ بردار و کینه پیشه مکن:

بدو گفت رستم کزین گفتگوی
چه آید مگر کم شود آبروی
به یزدان پناه و به یزدان گرای
که اویست بر نیکویی رهنمای

ادامه دارد

محتسب دباده نوشو رعایت کا

خوشحال ختک

بیا رباب دمغنی بنه سرایت کا
په نغمه کی نوی نوی حکایت کا
شیخ دی کونج دسومعی. زه به گلگشت کرم
دبهار گلونه ماته هدایت کا
گدایانو لره غم دگیدی دیر دی
باچاهان دی غم دملك او ولایت کا
د وفا مهر، کرم به ئی لاخه نسی وی؟
په جفا کی چی دا هومره عنایت کا
په مانی ئی هم خوشحال شم هم دلگیر شم
لکه څوك چی له چا شکر وشکایت کا
دا زما دبخت اثر نه دی نوخه دی
له رقیبه چی شکوه په دا غایت کا
په دا شهر کی څرگند شراب څر څیږی
محتسب د باده نوشو رعایت کا
که دښکلو د دیدن مینه گناه ده
داخوشحال ختك درست عمر جنایت کا

ماجرای غربت

پرویز کاوه

کسی از سوی آتش آمد و مارا به آتش زد
تمام هستی امروز و فردا را به آتش زد
حضور سبز گلهای بهاری را زجا بر چید
و باغ آرزوی گرم دلهار ا به آتش زد
شکوه عشق هم از خاطرات آبی اش گم شد
که قلب بی قرار و ناشکیبا را به آتش زد
غرور شرقی دلهای گرم این ولایت را
به خاک افگند و یک دنیا تمنا را به آتش زد
به هرجا چهره شد ، یک شعلهٔ آتش داشت در دستش
تمام وسعت این دشت و در یا را به آتش زد

برگشت

ابو طالب مظفری

دوباره سوی توبر گشتم ، دوباره، کشور تنهایم
شبی که بار سفر بستم، نگفتمت که همی آیم؟
نگفتمت که پس از توفان ، پس از شقاوت این دوران
به کوهسار تو می پیچد صدای هی هی و هیهایم ؟
شب دراز غریبی را به این بهانه سحر کردم
که صبح روشن فردا را دوباره پیش تو می آیم
هنوز یاد دل انگیزت ، هنوز عشق بلا خیزت
نرفته از سر این عاشق ، هنوز برسر سودایم
به روزگار غم و غربت ، در آن خرابه ی پر محنت
هماره یاد تو روشن داشت ، چراغ آن شب یلدایم
به رغم آن شب بی شادی ، به مرگ آن شب بی باران
بخند تا که بخندد گل ، بخند میهن زیبایم

خان او نوکر

ش - زیارمل

خان ته دنوکر په وجهه خان وائی، که بزگر نه وی او دخانانو ځمکی ئی نه قلبه کولی او که نوکر نه وی دصاحبانو په فابریکه کی ئی تولید نه کولی نو خان به چیرته وی، سوداگر او پانگه وال به چیرته وی، داهر څه چی دی ټول دمزدورانو له برکته دی، د زیار ایستونکو دخولو محصول دی. خو دبده مرغه چی چا هم کله دکوم خان او کوم سوداگر، مزدور بیا په خیټه موړ و نه لید نعمتونه هغه پیدا کوی، صنعت او زراعت هغه پرمخ بیائی خومحصول ئی دخان او زمیندار گودامونو ته ځی او دی په کی وچی شونډی ناست وی.

دلته ماته یو کیسه را یاده شوه وائی: یو نوکر ته دخان له کوره شپه او ورځ وچه ډوډی او شوملی راوتلی، نوکر دشوملو له لاسه بیخی په تنګ راغی، کومی نوکری چی ده ته، ډوډی راوړه نو ورته ئی و ویل: آیا دخان غوا او میښه همدا یواځی شوملی کوی که شیدی او مستی هم کوی!

نوکری ورته وویل: له تا ځارشم سادگیه! دشیدو او مستو میښی او غواگانی خانانو دخپلو خانونو او اولادونو له پار رانیولی دی خو دشوملو غواگانی ئی بیا دغریبانو او مزدورانو له پاره ساتلی دی.

مزدور په اوږده چورتونو کی ډوب شو، که شوملی ئی هرخومره بدی راتلی خو دهغی له خوراك نه ئی چاره نه وه، دخدای«ج» دالوی او ارت جهان ورته ډیر وروکی ښکاریده، ټول عمرئی دخان په خدمت کی تیر کړی و، له دی کوره وتل ورته پښتو نه ښکاریده، خو په دی کور کی پاتی کیدل ورته هم له کړوانه، ډك وه، ناڅاپه پری یو کلیوال سلام واچاوه او دهغه دخیالونو لړۍ ئی وشلوله.

هوکی! دغه سری دپښتو ژبی ستر او فلسفی شاعر اروابښاد کل پاچا الفت وه، چی دخان دمهربانی په نامه ئی نوی شعر ویلی وه او ده ته ئی ددغه شعر د اوریدو بلنه ورکړه:

دخان مهربانی

خان ته سر ښکته کول سرگردانی ده
دپښو نه ده د زړونو ستومانی ده
خربشوی چی ورته وائی پری اختر شی
په نوکر دخان همدا مهربانی ده
وایم زه له لوړی مرم ته له مرښته
وائی چوپ شه دغه برخه اسمانی ده
د اسلام په نامه څه ظلمونه کیږی
مالیدلی خانه! ستا مسلمانی ده
چی دخوار غریب خدمت ته ئی رابوله
وائی کله زما کار پادوانی ده
نه ئی فکر ددی ملک نه ئی لباس
په کاله کی ئی قالینه ایرانی ده
چی هر څومره څه لری ټول خارجی دی
بس یواځی تذکره ئی افغانی ده

دحقیقت ورځ

گل پاچا الفت

چی پلو له مخه لری دهرچا شی
دا رنگینی جامی څیری له ریاشی
حقایق ټول رابهر شی له حجابه
پټ کارونه راڅرگند زما وستاسی
که رازونه که رمزونه له اسرار دی
لکه ستوری داسمان هسی رسوا شی
مقصدونه، غرضونه عملونه
بی پردی او بی سیرته برالا شی
دتلبیس خایسته رنگونه ټول شی محوه
په خپل څیر ښکاره روا او ناروا شی
دهر چا زړه کی چی هرڅه وی لیکلی
دی پخپله دهغه نقش گویا شی
هغه دغه، ښه او بد مخونه لوڅ شی
توره شپه له مینځه لاړه شی سبا شی
لیک دحق او حقیقت وی په هر لاس کی
دتیارو شپو واقعات واړه رڼا شی
ډیر خایسته او سپین مخونه به تک توروی
ډیر ښاغلی به په دغه ورځ سرتور وی

تسوید و تصویب لوایح قانونی

احسان نکته دان

روند قانون گذاری که اهمیتی ویژه دارد، به اجراات لازم، دانش فراگیر، تخصص در زبان، تصور درست از آنچه که قانون در مورد آن ساخته می شود وتجربهٔ کافی نیاز دارد. دانشمندان این فن به این باورند که قانون گذاری یک امر ساده نبوده از مشکلات و دشواری های آن فقط کسانی آگاهند که در این راستا گام نهاده وعملاً آن را تجربه نموده اند. آنهایی که فاقد شرایط لازم قانون گذاری اند نمی توانند قانون مؤثری را طرح نمایند؛ مثلاً آنهایی که با زبان، به ویژه با زبان قانون آشنایی ندارند، قانونی را که طرح می نمایند ناکار است؛ زیرا هنگامی که طرح آنها در دست مفسران وشارحان قانون قرار می گیرد، احتمال تفسیر خوب و تفسیر بد مبنی برحسن ظن و سوء ظن را دارد، بناءً قانون همیشه توسط قانون گذارانی که در زمینهٔ قانون گذاری تربیت شده اند وتجربهٔ کافی دارند طرح می شود.

شرایط لازم برای قانون گذار

۱- قانون گذار باید سابقهٔ خوبی در مسلک خود داشته باشد و بااصول قانون گذاری آشنا باشد.

۲- علم ودانش وافراد پیرامون اصطلاحات قانونی داشته باشد.

۳- از قانون اساسی ودیگر قوانین نافذهٔ کشور آگاه باشد.

۴- بافرهنگ وعنعنات ملی و اجتماعی آشنا باشد.

۵- قوهٔ تفکر وتوانایی تعبیر از آنچه که می خواهد طرح کند داشته باشد.

شروط قبل از طرح

اداره یی که در پیرامون وضع قانون، تعدیل ویا حذف ماده یی در قانون پیشنهاد می نماید، قبل از آن که دست به چنین کاری بزند باید قانون اساسی را در نظر داشته باشد؛ به طور مثال مادهٔ سوم قانون اساسی افغانستان صراحت دارد که در افغانستان هیچ قانونی نمی تواند مخالف احکام دین مقدس اسلام باشد، وهمچنان مادهٔ یک صد وچهل ونهم افاده می کند که اصل پیروی از احکام دین مقدس اسلام ونظام جمهوری اسلامی تعدیل نمی شود.

طراح قانون باید از همه قانون نامهٔ کشور آگاهی کافی داشته باشد تا مسوده یی را که طرح می کند با قانون اساسی و قوانین دیگر کشور در تعارض قرار نگیرد.

آشنایی قانون گذار با موضوع وفن قانون گذاری

قانون گذار نمی تواند باوجود این که یاد داشتی از سوی اداره به وی تقدیم شده است دست به کار شود، قانون گذار باید خود را از آغاز با مسودهٔ پیشنهادی آشنا ساخته از موضوعات آن آگاهی کامل به دست آورد، زیرا یک قانون گذار نمی تواند در همه ابعاد، مهارت ومعلومات حاصل نماید. قانون گذار باید از نقطه نظر فن قانون گذاری خود را ماهر بسازد و به طور قابل ملاحظه به آن دسترس حاصل نماید. وهمچنان در این مرحله باید نمایندهٔ اداره یی که وضع قانون را پیشنهاد می کند از قابلیت کافی بهره مند باشد و به همه پرسش های قانون گذار پاسخ درست بدهد.

اداره یی که در پیرامون وضع قانون، تعدیل ویا حذف ماده یی در قانون پیشنهاد می نماید، قبل از آن که دست به چنین کاری بزند باید قانون اساسی را در نظر داشته باشد

خط مشی قانون گذاری

مرحلهٔ نخست در آماده ساختن یک لایحهٔ قانونی شکل دهی خط مشی قانونی است، مواد قانون به یک تعبیر خط مشی قانون است؛ بناءً قبل از این که لایحه یی طرح شود باید خط مشی تعیین و در معرض اجرا قرار گیرد.

گرچه این وظیفهٔ قانون گذار نیست که خط مشی قانون را تعیین نماید ولی باید در این راستا با ادارهٔ طرح کنندهٔ لایحه همکاری لازم نماید. وهمچنان یادداشتی که از طرف اداره ارائه می شود تفصیلی بوده باشد ولی مسلماً بعض اجزای کوچک آن از دایرهٔ یاد داشت بیرون می ماند که قانون گذار وظیفه دارد آن را انکشاف بدهد. پیشنهاد همه مواد مورد نظر را به قانون گذار تهیه نمی کند وتوقع دارد که قانون گذار خود در زمینه اقدام نماید. قانون گذار هم به توبهٔ خود برای این که به صورت درست قانون مورد نظر را با سایر قوانین کشور همآهنگ ساخته باشد باید خط مشی درستی را ارایه بدارد تا از این امتحان کامیاب به در آید.

بررسی وابراز نظر اداره قانون گذار

بعد از این که لایحهٔ پیشنهاد شده جهت مشوره برای عملی شدن آن از نظر حقوقی وقانونی به ادارهٔ قانون گذار تحویل داده می شود، ادارهٔ مذکور جهت بررسی وابراز نظر پیرامون نیازمند به همچو طرح در روشنی قوانین نافذه، آن را به یکی از قانون گذاران پایین رتبه می سپارد، تا در قدم نخست توسط وی ابراز نظر صورت گیرد و در صورت لزوم نقایصی که دیده می شود دور شود تا کار برای قانون گذار عالی رتبه آسان تر شود.

در صورت کوتاه بودن لایحه، یک یا دو مسوده کافی است، ولی در صورت طویل بودن آن، چندین مسوده باید طرح شود تا در اجتماع مورد بحث ومداقه قرار گیرد. و این پروسه تا زمانی باید ادامه یابد که هر دو مرجع؛ تسوید کننده وپیشنهاد کننده به درست بودن شکل ومحتویات لایحه رضایت حاصل نمایند.

به هر صورت ادارهٔ قانون گذار که مسؤولیت تهیه وتدارک همه قوانین ومقرره های دولتی را به دوش می داشته باشد باید همه لوایحی را که از طرف اداره های دولتی جهت طی مراحل به آن فرستاده می شود زیر مداقه قرار دهد که آیا به وجه احسن ودرست ترتیب داده شده است یا نه؟ پس جهت آسانی کار پارلمان یا شورای وزیران باید با تمام توان مندی خویش کوشش نمایند تا لایحه را از نقایص مبرا ساخته و برای تصویب آماده سازند.

مراحل تصویب لایحه

بعد از این که پیشنهاد قانون، به تصویب کابینه می رسد، اداره یی که برای وضع قانون تصمیم اتخاذ نموده است مسوده یی را که شامل خطوط اساسی لایحهٔ پیشنهاد شده است به ادارهٔ قانون گذار باید تقدیم نماید تا ادارهٔ آن را به صورت کامل طرح نماید. در این مرحله باید کوشش صورت گیرد تا به طور تفصیل ادارهٔ قانون گذار را از پس منظر آنچه پیشنهاد می شود، آگاه سازد.

با تأسف باید گفت که در افغانستان همچو مسوده یی که شامل همه مطالب بوده باشد به نسبت کمبود اشخاص مسلکی وتربیت یافته، کم تر دیده می شود. وبیشتر این مسوده ها از طرف مشاوران خارجی که آنها هم فاقد شرایط لازم فن قانون گذاری می باشند به زبان انگلیسی طرح شده و به زبان دری یا پشتو ترجمه می شود، که در واقع از یک طرف مسوده به شکل تفصیلی آن طرح نشده از طرف دیگر ترجمهٔ آن غیر ماهرانه صورت گرفته که حتی احیاناً مطلب را به صورت درست آن انعکاس نمی دهد که به طور قابل ملاحظه روند قانون گذاری را به مشکل مواجه می سازد. که گاه یک مسودهٔ قانونی که از طرف اداره یی برای قانون گذار سپرده می شود باعث ایجاد مشکلاتی زیاد به قانون گذار می شود؛ زیرا اداره یی که این مسوده را چوکات داده است توقع دارد که این چارچوب قانونی وی به زود ترین فرصت حتی در همان روزی که به قانون گذار تسلیم داده می شود، دوبارهٔ مسودهٔ نهایی آن را به دست آورد، تا بتواند آن را به پارلمان تقدیم نماید. بی خبر از این که قانون گذار باید آن را در زیر عینک نقد قرار داده و به طور مشروح مطالعه نماید و وقت بیشتری را در جهت ویرایش وپیرایش آن صرف نماید.

وبیشتر این مسوده ها از طرف مشاوران خارجی که آنها هم فاقد شرایط لازم فن قانون گذاری می باشند به زبان انگلیسی طرح شده و به زبان دری یا پشتو ترجمه می شود، که در واقع از یک طرف مسوده به شکل تفصیلی آن طرح نشده از طرف دیگر ترجمهٔ آن غیر ماهرانه صورت گرفته

تأیید وزیر مسؤول

بعد از این که مسوده در وزارت مربوط مراحل خود را طی نمود، ادارهٔ قانون گذار پیرامون آن ابراز نظر نموده دوباره به وزیر مسؤول تفویض می شود وزارت موصوف ضمن یاد داشتی که بیانگر اهداف وعلت طرح همان قانون بوده باشد آن را به پارلمان تقدیم می دارد. این یاد داشت باید به طور دقیق تهیه شود و اهدافی را که در ورای آن نهفته است تذکر دهد وغالباً همچو یاد داشت ها با مشورهٔ قانون گذار ویا بعد از نشان دادن به وی ترتیب وارایه می گردد.

تصویب پارلمان

هنگامی که همه مشکلات لایحه حل شد، ادارهٔ قانون گذار یک نسخهٔ آن را به ادارهٔ امور یا دارالإنشای پارلمان ضمن یاد داشت اداره که از طرف قانون گذار تصدیق وامضا شده است می فرستد و بعد از این که لایحه به اداره های موصوف انتقال داده شد دیگر مسؤولیت همان اداره است تا نسخه های آن را به اعضای پارلمان یا شورای وزیران جهت غور وبررسی توزیع نماید.

در این مرحله پارلمان حق دارد که آن را تصویب، رد و یا سفارش دیگری در ارتباط به لایحه صادر نماید. ویا آن را به کمیته یی که به این منظور تشکیل شده است راجع سازد. در همچو صورت قانون گذار در همه اجراآت آن باید اشتراک نماید.

مرحلهٔ نشر

بعد از این که لایحه، در شورای وزیران یا پارلمان پاس شد دوباره به وزارت قانون(وزارت عدلیه) جهت تدقیق بیشتر سپرده می شود. قانون گذار در این مرحله باید قبل از چاپ همه خطاهای املایی وانشایی آن را اصلاح نماید.

بعد از اصلاح ، ادارهٔ قانون گذار متن مسوده را جهت توشیح به ریاست دولت می فرستد وقتی که لایحه توسط رئیس دولت توشیح شد نافذ بوده شکل قانون را به خود می گیرد، بعد از توشیح توسط رئیس دولت دوباره به ادارهٔ قانون گذار داده می شود تا بعد از درج شماره ونمبر درجریدهٔ رسمی نشر گردد. بعد از نشر در جریدهٔ رسمی از طرف ریاست نشرات در اختیار مردم قرار می گیرد.

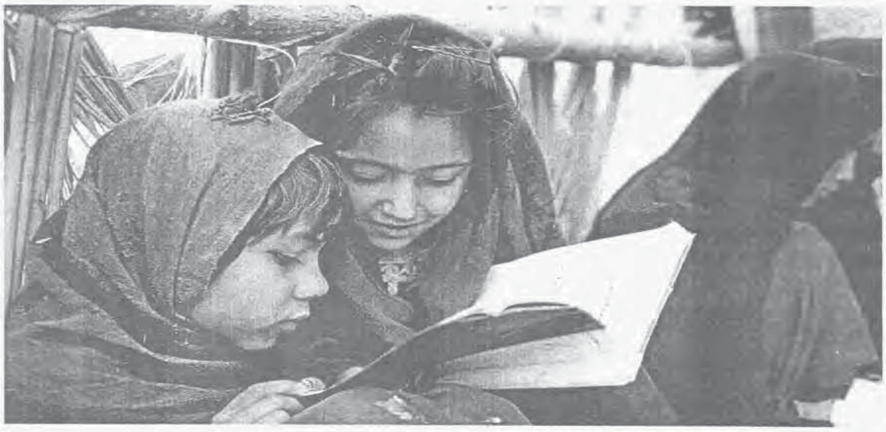
چگونه فرزندان مان را به نماز گزاردن عادت دهیم

سید ناصر تقدسی

پدر گرامی.. ومادر مهربان .. شما الگوهایی عملی و نمونه هایی زنده، برای فرزندان خود هستید، به فرمایش پیامبر صلی الله علیه وسلم توجه کنید که می گوید:«إذا مات ابن آدم انقطع عمله إلا من ثلاث...»

«هرگاه فرزند آدم بمیرد، کارش- از هر چیزی- به جز سه چیز بریده می شود ...»

یکی از همین سه، فرزندی صالح است که برای پدر ومادرش دعای نیک می کند.. از این رو بایستی هدف هرکدام ما، داشتن اولاد نیکو کار وفرزندان صالح بوده باشد.



نماز روشنی است

پیامبر می فرماید: «نماز روشنی چشم من است» و درجایی دیگر اشاره می کند: «وستون دین نماز است» ونخستین کاری که از آن در روز رستاخیز، بندهٔ مؤمن پرسیده می شود نماز است، از همین جا است که خداوند متعال می گوید: « وأمر أهلک بالصلاه...»

اهل خود را به نماز امر کن و...

پدر ومادر!

با پیش در آمد بالا، جایگاه نماز در اسلام را دانستیم، لذا برماست که بدانیم عادت دادن کودک به نماز، هدفی بزرگ ومهم در راستای پرورش ایمانی وی پنداشته می شود. از یاد نباید برد که کودکی مرحلهٔ تکلیف ومسؤولیت پذیری نه، بلکه مرحلهٔ آمادگی وتمرین برای رسیدن به مرحلهٔ تکلیف و مسؤولیت است وعادت دادن کودک در این مرحله به کارهای خوب، راه را برای ادای واجبات وفرایض، در سن بلوغت هموار می سازد.

مراحل آموزش نماز

اول: مرحلهٔ تشویق کودک به ایستادن در نماز

زمانی که کودک به سن سه الی چهار سالگی می رسد، پدر ومادر باید از او بخواهند که با ایشان در نماز بایستد، فرزندان در بدو کودکی خویش گاه از پیش روی نماز گذاران عبور می کنند ویا می نشینند واحیاناً گریه می کنند در چنین حالتی اگر در خانه کسی نباشد که باطفل بازی وساعت تیری کند، برپدر ومادر، حرجی نیست که کودک شان را از زمین بر دارند وبه آغوش بکشند.

دوم: مرحلهٔ پیش از هفت سالگی

۱- آموختاندن کودک، برخی احکام ابتدایی طهارت را، مانند اهمیت اجتناب از پلیدی مثل بول وغیره، کیفیت استنجا، آداب قضای حاجت، ضرورت حفظ ورسیدگی به نظافت جسم ولباس وتشریح ارتباط طهارت به نماز.

۲- تعلیم دادن طفل سورهٔ فاتحه وبعضی از سوره های کوتاه را، برای آمادگی به نماز.

۳- آموزاندن وضوء وتمرین عملی آن، چنان که صحابه رضی الله تعالی عنهم به فرزندان شان می آموختاندند.

۴- پیش از هفت سالگی، باید به آموزاندن نماز برای کودک آغاز کنیم، و او را تشویق نماییم که روزانه حداقل یک نماز فرض را ادا کند، مانند ادای نماز صبح پیش از رفتن به مکتب. در این سن بهتر است کودک را ، به ادای نماز های پنجگانه مکلف نسازیم.

۵- پس از این که به کودک آداب مسجد آموزانده می شود، باخود بردن وی به نماز جمعه، وعادت دادن او به برپایی این شعار دینی از اهمیتی ویژه برخوردار است، و این موضوع، نخستین گام، در جهت تعامل باجامعه محسوب می شود.

سوم: مرحلهٔ مابین هفت و ده سالگی

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می گوید: «امر کنید فرزندان خود را به نماز در حالی که ایشان هفت ساله باشند، و در ده سالگی – در صورت ترک نماز- آنها را بزنید، وبسترهای خواب آنان را از هم جدا نمایید.»

کودک بافهم این حدیث، می داند که مرحلهٔ مواظبت بر نماز آغاز شده است واز همین رو برخی از مربیان عقیده دارند که روز پاگذاشتن کودک به سن هفت سالگی، در زندگی وی حادثه یی سرنوشت ساز، تلقی می گردد.

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم، برای نهادینه کردن حب نماز در دل و درون فرزندان، سه سال متوالی را اختصاص داده است، و در طی این مدت، بایستی از کودک به گونه یی نرم، دوستانه ومحبت آمیز خواسته شود، تا به نماز علاقه بگیرد وبه پروردگار پیوند بر قرار نماید، واگر چنین کاری به پیشانی باز وسخنی نیکو، انجام یابد، در فرایند تربیت اولاد مؤثر خواهد بود، چنان که صحابی گرانقدر حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می فرماید: «دربارهٔ نماز فرزندان خود مواظب باشید، وایشان را به کار خیر عادت دهید» چون هرکاری خیر به عادت کسب می شود.

در جریان این سه سال، کودک می تواند، احکام وضوء، نماز وبرخی از دعاهای ویژهٔ نماز را فرابگیرد، و در هرحال پدر ومادر همواره به مثابهٔ الگوهایی عملی برای طفل مطرح خواهند بود.

چارم: مرحلهٔ امر به نماز وسرزنش برترک آن

بایسته است که در این مرحله پدر ومادر همیشه، فرمایش ها وتوصیه های پیامبر را که در خصوص تربیت وتعوید اولاد به نماز ارشاد فرموده است، به گوش کودک برسانند، و او را از ترک نماز وسهل انگاری در برابر عبادت هشدار دهند، وهرگاه پس از همه توصیه ها وهشدارها طفل بازهم بر عدم پای بندی به نماز وبر بی توجهی به عبادت اصرار می کرد، باید، او را سرزنش کنند، مشروط بر این که

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم، برای نهادینه کردن حب نماز در دل و درون فرزندان، سه سال متوالی را اختصاص داده است، و در طی این مدت، بایستی از کودک به گونه یی نرم، دوستانه ومحبت آمیز خواسته شود، تا به نماز علاقه بگیرد وبه پروردگار پیوند بر قرار نماید

سرزنش، از چهارچوبی که پیغمبر صلی الله علیه وسلم، به این منظور تعیین کرده است، تجاوز نکند.

زمانی که کودک در یک محیط صالح وسالم پرورش شود، وپدر ومادر او، به آنچه گفته آمد توجه کنند و در مورد نماز وتوجه به عبادات، برای او نمونه هایی عملی شمرده شوند، و او را به این امر(نماز) تشویق نمایند، به دشواری می توان پذیرفت که کودک به نماز علاقه نگیرد و به عبادت حرص نورزد.

در این مرحله(بعد از ده سالگی) بر پدر ومادر وبزرگ خانواده لازم است که به تربیت فرزندان اقدام کنند و به آنان، احکام نماز جماعت، نمازهای سنت و وتر واجب را بیاموزانند، وایشان را براهتمام به نماز های صبح وخفتن گوش زد نمایند. اگر نماز آنان از راه فراموشی فوت شود، هرگاه که به یادشان آمد، آن را قضایی ادا کنند، واگر خدای نخواسته از رهگذر تنبلی وتکاسل فوت گردد، واجب است که به سوی استغفار روی کنند واز خدا آمرزش بطلبند.

گذشته از همه، چه بهتر که در این مرحله، طفل به پرداخت خیرات وصدقات از دخل شخصی خودش ترغیب شود، تا از این طریق روح سخاوت وخیر خواهی در وجودش نهادینه گردد، وگامی به سوی غیر دوستی بگذارد.

اندرزهایی برای پدر ومادر

۱- پدر ومادر همواره حس وتوجه کودک شان را باید، به سوی نماز معطوف بدارند، به گونهٔ مثال:

الف: زمانی که کودک می خواهد بخوابد، باید بلافاصله برایش گفته شود که:«به نماز خفتن وقتی کم باقی است، نماز می خوانیم باز به خواب برو»

ب:- وقتی که فرزند عزم رفتن به تفریح گاه، یا کلپ، یا دیدن یکی از دوستان را می کند وزمان نماز شام قریب می باشد، باید از زبان والدین بشنود که: «نماز شام را اول می خوانیم وبعد از آن، یک جای بیرون می شویم».

ج:- یکی دیگر از وسائل بیداری حس نماز گذاری در فرزندان، این است که از پدر ومادر وکلان خانواده، ارتباط وعده ها به نماز را بشنود مثلاً گفته شود: «فلان کس را در نماز عصر می بینیم وفلانی پس از نماز شام خواهد آمد و...»

۲- اسلام به منظور تندرستی ونیرومندی بدن، به ورزش تشویق می کند، ومؤمن قوی را نسبت به مؤمن ضعیف برتر می شمارد، اما این موضوع نباید طفل را از ادای نماز در وقت آن، باز بدارد.

۳- پس از ده سالگی اگر کودک به بیماریی مبتلا می شود، حسب توان خود بایستی به اقامهٔ نماز بپردازد، وبداند که هیچ چیزی، حتی بیماری، او را از برپاداشتن نماز معذور نمی دارد. و در حالت سفر به کودک، آداب سفر ومسائل مربوط به قصر نماز، فهمانده شود، تا او درک کند که شریعت اسلامی سراپا نعمت ورحمت است.

۴- در تربیت کودک، اصل تدرج، باید رعایت گردد، به این مفهوم که در قدم نخست فرایض و واجبات برای او آموزانده شود وپس از آن به ادای نوافل تشویق گردد.

۵- در نهاد کودک، باید روح شجاعت وایمان، دمیده شود، و او در پرتو این نور بتواند، دوستان وهمراهان خود را به نماز واطاعت از اوامر الهی دعوت کند، و افزون بر آن جرأت یابد تا در وقت نماز هرکار مهم و دوست داشتنی خویش را رها کند وبه جانب نماز ومسجد بشتابد، وهمسالان خود را نیز به این عمل خیر ونیکو فرابخواند.

برنامهٔ جمعه

پدرها کوشش کنند که روزهای جمعه باهمسران خود، به منظور ادای سنن جمعه چونان قرائت قرآنکریم مخصوصاً سورهٔ کهف، زیاد استغفار کردن و درود گفتن به حضرت نبی صلی الله علیه وسلم، نشست ومشارکت داشته باشند، تافرزندان شان از آنان الهام بگیرند ونیروهای خیر در وجودشان به عینیت برسد. وهمچنان سعی شود، تاکودکان در هرنمازی مانند نماز استسقا و ... برده شوند تا رابطهٔ آنها بانماز در همه حال برقرار باشد.

پدر عزیز ومادر مهربان!

وظیفهٔ انسانی وشرعی شما است که برای غرس نهال نماز وعبادت در نفوس فرزندان خود از هروسیله یی ممکن بهره ببرید مانند:

- از خط کش ها، پرکارها وکتابچه هایی که به روی آن تصاویری از کیفیت وضوء ونماز رسم شده باشد، استفاده شود.
- هرگاه می خواستید کودکان تان را حساب وریاضی بیاموزانید، برای تبیین معادلات آن از واژه های نماز استفاده کنید مثل: مردی چهار رکعت نماز قبل از فرض ظهر خواند و فرض ظهر را چهار رکعت ادا کرد، پس چند رکعت نماز گذارده است؟ ویا فاصله بین خانهٔ یک نفر ومسجد پنجصد متر است وآن شخص به یک خطوه نیم متر راه را می پیماید، پس بگویید که با چند خطوه فاصلهٔ مذکور را طی می کند؟ و... من پیشنهاد می کنم که وزارت معارف این چنین نمونه ها را در کتب درسی اصول صنفی و دورهٔ ابتدائیه تسجیل کند.
- از نوارهای ویدیو و سی دی هایی استفاده شود که در آن تعلیم وضوء، نماز وسایر مسائل مربوط به عبادت ثبت شده است.

دکانګرس غړیو افغانستان ته ...

دانتخاباتو لپاره دامنیت شتون له هرڅه ضروري دي چي دذې کار لپاره دپولیسو روزنه چي دالمانیانو لخوا پرمخ بیول کیږي نورو نړیوالو مرستو ته اړتیا لري.

ټیلر زیاته کړه: دکانګرس غړي له دې پلوه په اندیښنه کې دي چي مقامات دافغانستان د وضعي په باب ښه تصویر ښکاره کوي په داسي حال کې چي پرهغو ستونزو او نیمګړتیا و چي متحده ایالات او دکرزي حکومت ورسره مخامخ دي پرده اچوي.

ددغه مجلس یو تن بل ګډون کونکي او دکانګرس غړي ویل بروم و ویل مونږ د زیاتو مرستو په ورکولو سره کولاي شو یو څه ترلاسه کړو دغو ندې زیاترو ګډون کونکیو له افغانستان سره دناتو دلاژمو مرستو دنه کولو او دنیشه ئي توکو دتولید او کرکیلڼي د زیاتوالي له امله اندیښنه وښود. له په مجلس کي دامریکي د دوولو یو ګوندونو دموکرات او جمهوریت غوښتونکي داستازیو له خوا دامریکائي سرتیرو په مستقیمه توګه په فعالیتونو کي دبرخي اخیستني په باب ټینګار وشو او داچي ولي دامریکائي سرتیرو روحیه په افغانستان کي کمزوري شوي ده په مجلس کي ئي علت دا وبلل شو هغه مالي منابع چي افغانستان ته بیلي شوي په عراق کي لګول کیږي.

در قانون انتخابات معیار های حقوقی ...

او در رابطه با این مادهٔ قانون که هر کاندیدا باید کاپی ده هزار کارت رأی دهی را ارائه دهد تا بتواند در انتخابات اشتراک نماید، گفت: بعضی از مواد قانون نه ارتباط به معیارهای حقوقی دارد و نه به مسایل موجود اجتماعی ما. ممکن است با مطالعهٔ قوانین انتخابات کشور های دیگر این ذهنیت به میان آمده باشد که در افغانستان باید ده هزار کارت اشخاص مختلف کاپی شود و ارائه شود ولی از لحاظ حقوقی سری بودن انتخابات را صدمه می زند. وقتی ده هزار رأی از اشخاص شناخته شده به دست آید، رأی آن ها سری نمی ماند.

جهات دیگر این مسأله نیز قابل بحث است، ممکن است یک کاندیدا بنا بر ارتباطاتی خاص و شرایطی خاص بیشتر از ده هزار کارت را به دست بیاورد، ولی یک کاندیدی دیگر از موقعي که خود را کاندیدا می کند، فعالیت های سیاسی وملی خود را آغاز می کند که بدین وسیله شاید او بتواند در میان مردم از محبوبیتی خاص بر خوردار گردد و مردم رأی خود را به همین شخص خواهند داد.

بر اساس این مادهٔ قانون شانس برنده شدن، بیشتر به کسانی دست می دهد که شناخت اجتماعی دارند ولی شاید آنها این توانایی را دارا نباشند که در برابر شخصی که صاحب دانش و درک سیاسی و طرح مسایل است، ایستادگی نمایند.

مثلاً شخصی از خارج کشور می آید، وی خط مشی خود را از طریق وسایل ارتباط جمعی به مردم توضیح می دهد، بدون کدام شناخت قبلی شاید تعداد زیادی از مردم به او رأی دهند. دانش سیاسی، تحلیل از اوضاع سیاسی و اجتماعی افغانستان و برنامه یی را که معرفی می کند شاید او را در انظار مردم شخصیت مورد قبول گرداند.

بر مبنای این قانون ما بر قدرت های اجتماعی اتکا می کنیم در حالی که دانش هم یک قدرت است به شرطی که زمینهٔ ابراز آن مساعد گردد. یک تعداد کاندیداها کسانی اند که دانشمندند، نبض سیاسی و اجتماعی افغانستان را خوب درک کرده می توانند ، برای آیندهٔ افغانستان می توانند مفید واقع شوند و شاید قدرت آن را داشته باشند که کشور را از بحران کنونی بیرون بسازند.

ولی وقتی قید گذاشته شود که ده هزار کاپی کارت رأی دهی را تهیه کنند، شاید از کاندیدا توری خویش صرف نظر نمایند.

انصافاً چنین طرحی یک ظلم خواهد بود در برابر چنین اشخاص . ما باید مساوات را در رأی دادن و رأی گرفتن مطرح کنیم ممکن است یکی صاحب چنان قدرتی باشد که بیشتر از ده هزار کارت را تهیه بدارد ولی توانایی نداشته باشد که به حیث یک کاندیدای ملی تبارز نماید. شاید هم این شناخت بر اساس یک سلسله فشار های اجتماعی به وجود بیاید.

این مسأله و اقعاً یک معضله است دولت باید متوجه گردد و راه های حل آن را در یابد. ممکن است یک تعداد کاندیداهای واقعی که بتوانند در آیندهٔ افغانستان مؤثر و مفید باشند مأیوسانه از صحنه بیرون بروند.

ما باید مساوات را در رأی دادن و رأی گرفتن مطرح کنیم ممکن است یکی صاحب چنان قدرتی باشد که بیشتر از ده هزار کارت را تهیه بدارد ولی توانایی نداشته باشد که به حیث یک کاندیدای ملی تبارز نماید.

دکتر هاشمی در مورد این که اگر انتخابات بنا بر این عوامل که گویا پروسهٔ جمع آوری سلاح به درستی انجام نشده است ویا هزینهٔ آن نا کافی است به تأخیر بیفتد، آیا مشروعیت زعامت را صدمه نخواهد زد، گفت:

اگر انتخابات برای بار دوم به تأخیر بیفتد اعتماد و باور مردم را صدمه می زند، یکی از راه هایی که ما می خواهیم به دموکراسی برسیم، انتخابات آزاد و سری و مستقیم است که مردم باید یک دولت مشروع و قانونی را به میان آورند.

در پروسهٔ دموکراتیزه ساختن جامعهٔ افغانستان باید همکاری میان دولت و مردم وجود داشته باشد تا بتوانیم یک دولت انتخابی ، رئیس جمهور انتخابی ، پارلمانی انتخابی داشته باشیم.

عراق، راه دشوار ...

تجزیهٔ عراق در قدم اول به ایجاد یک کشور مستقل کرد نشین خواهد انجامید و ترکیه و ایران هرکدام با اقلیت های کرد خویش این خطر را بیشتر از دیگران احساس می کنند. هجوم آوارگان در صورت بروز جنگ داخلی، مشکل دیگری است که همسایگان عراق از آن نگرانند.

امریکا گمان می کرد با حضور نظامی قدرتمند در عراق خواهد توانست کشور های حرف ناشنوی چون ایران را تهدید خواهد کرد، اکنون متوجه می شود که برعکس اکنون ایران است که اگر بخواهد می تواند برای امریکا در عراق درد سر درست کند. به این ترتیب ایران در موقعیت قوی تر از زمانی قرار دارد که امریکا از دور برایش چنگ و دندان نشان می داد.

کرد های شمال عراق هوشدار داده بودند که اگر خواست آنان برای خودمختاری به رسمیت شناخته نشود، با دولت جدید همکاری نخواهند کرد و انتخابات آینده را نیز تحریم خواهند کرد. پس از تصویب قطعنامه توسط شورای امنیت، کردها این شکایت را داشتند که در قطعنامه به قانون اساسی مؤقت عراق اشاره یی نشده است. دراین قانون اساسی که در ماه مارچ سال جاری به تصویب رسید، خودمختاری کردها به رسمیت شناخته شده است.

هرچند همسایگان عراق از حضور نیروهای خارجی در آن کشور خوشنود نیستند اما می دانند که خروج این نیروها خطری جدی تر در قبال خواهد داشت. به همین دلیل آنها مجبورند بین دو شر، شر کم تر را که همانا حضور امریکایی ها در عراق است، بپذیرند. پس نباید پافشاری ظاهری آنان برای خروج نیروهای بیگانه از عراق و سپردن زمام امور این کشور به دست خود عراقی ها را جدی تلقی کرد.

عراق کشوری است با ترکیب قومی و مذهبی بسیار متنوع، این کشور از بدو استقلال تا کنون به وسیلهٔ رژیم های کودتاگر و دکتاتوری های شدیدا سرکوب گر اداره شده است. آنچه که ما آن را وحدت ملی می نامیم در عراق نه بر بنیاد یک قرارداد اجتماعی میان مردم بلکه به وسیلهٔ نیروی سرکوب برقرار بوده است. اینک نیروهای خارجی باید با حضورشان این خلای قدرت را پر کنند.

این نیرو ها اگر بخواهند با ایجاد نهاد های دموکراتیک در عراق سرانجام یک دولت قوی و با ثبات در این کشور ایجاد کنند، راهی طولانی در جلو خواهند داشت و تا آن زمان باید درعراق نیروهای خارجی حضور داشته باشند.

این حضور تا زمانی می تواند ادامه یابد که بار سنگین هزینهٔ این نیروها برای نیرو های اشغال گر قابل تحمل باشد اما اگر امریکا همچنان بزرگترین بار این هزینه را بر دوش داشته باشد، در دراز مدت باید پذیرای مشکلات جدی هم در داخل و هم در خارج از این کشور باشد.

بسیاری به این نظرند که ادارهٔ عراق به سادگی ممکن نیست و امریکا نیز با حمله برعراق خود را درگیر مشکل بزرگی کرده است که در طولانی مدت تأثیرات زیان باری بر امریکا خواهد داشت. همین اکنون نشر عکس های زندانیان زندان ابوغریب در سراسر جهان به تحریک افکار ضد امریکایی منجر گردیده و در مورد صداقت امریکا در برقراری دموکراسی در عراق شکوک و شبهات زیادی را موجب شده است.

در حمله به عراق بسیاری از تأسیسات زیر بنایی عراق ویران شده است. بازسازی این تأسیسات نیازمند کمک های گستردهٔ بین المللی است. این کمک ها زمانی می تواند صورت گیرد که در عراق امنیت برقرار شده باشد. از طرف دیگر مردم عراق به مشکلات شدید تأمین نیاز های اولیه از قبیل آب و برق مواجه اند. هر قدر امنیت [illegible] عقب خواهد افتاد و هرقدر بازسازی به عقب افتد مردم از حضور نیروهای خارجی و دولت تحت الحمایهٔ آنان مأیوس تر خواهند شد. این یأس وسر خوردگی می تواند خشم و خشونت را تداوم بخشد همان چیزی که نیروهای خشونت گرا و تروریست ها به دنبال آن هستند.

به این ترتیب می توان نتیجه گرفت که عراق در دور باطل میان نا امنی و دشواری های بازسازی مواجه است. آنچه که تاکنون تجربه نشان داده این است که عراق لقمهٔ سهل الحلقومی نبوده است. به نظر می رسد که امریکا با سقوط یک رژیم مستبد و خود کامه در عراق، مسؤولیت بزرگی را نه تنها در برابر عراق بلکه در برابر تمام منطقه به دوش گرفته است.

من پس از حادثهٔ یازدهم سپتامبر ...

معلوماتم روشنی افتاد، اما با تأسف که سایت های اسلامی در اینترنت به زبان انگلیسی بسیار کم است، من آرزو دارم که مسلمانان در این زمینه، توجه جدی مبذول بدارند، وگذشته از این معلومات، در هرفرصتی، از مسلمانان چیز فهم مقیم ایتالیا، چیزهایی پرسیدم وآنها اسلام را برایم شرح دادند واز فلسفهٔ احکام آن، آگاهم کردند. پس از این همه پژوهش وتحقیق، به این قناعت رسیدم که اسلام دینی است عظیم و فراگیر که به تمام قضایا ومشکلات انسان را در تمام زمانه ها پاسخ و راه حل ارائه می کند، این دین ظلم، اختناق وترور را رد می نماید وانسان ها را به سوی حق، عدالت، مکارم اخلاق وفضیلت فرا می خواند؛ لذا شیرینی اسلام را چشیدم وبرایم نوعی اعتماد و آرامش وسکون روانی رخ داد، چیزی که در طول حیات برایم بی سابقه بود، از همین جا اسلامم را اعلان کردم ونام خویش را به محمد فیروتی تغییر دادم.

• آیا اندیشه یی وطرحی برای دعوت غیر مسلمانان به دین اسلام دارید؟

□ اندیشه ام این است که برای دعوت مردم به اسلام، طریقه یی عملی ایجاد شود که طی آن ارزش ها ومبادی اسلام، برای غیرمسلمانان در کشورهای غربی وبه زبان خود آن کشور ها تشریح وتوضیح گردد؛ زیرا ندانستن اسلام وجهل نسبت به حقیقت دین، به سان زمین ناکاشته یی است که دشمنان اسلام تخم بدبینی نسبت به اسلام وهر پدیدهٔ اسلامی را در آن می کارند، رویا رویی با این موضوع تنها از راه نشر تعالیم اسلام ومبادی دین وشناساندن ارزش های عقیدهٔ الهی به هر وسیله یی ممکن برای مردم، میسر خواهد بود.

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ دهم | چهارشنبه ۲۰ جوزا ۱۳۸۳ | ۲۰ ربیع الاخر ۱۴۲۵ - 9 June 2004

عراق، راه دشوار امریکا

وحید مژده

سرانجام شورای امنیت سازمان ملل متحد در جلسهء هشتم جون خویش قطعنامهء انتقال قدرت به دولت عراق را به تصویب رسانید. تصویب این قطعنامه با اتفاق آراء نشان از عقب نشینی امریکا از مواضع قبلی اش در مورد نقش کشور های دیگر و سازمان ملل متحد در مورد عراق دارد.

حملهء امریکا به عراق در هفده ماه قبل که به سرنگونی رژیم صدام حسین منجر گردید موجب دو دستگی در جامعهء جهانی شد. بعضی از کشور های اروپایی در مورد اهداف امریکا در عراق سوء ظن داشتند. رای گیری پس از آن انجام شد که امریکا و انگلستان موافقت نمودند تا جزئیات بیشتری را در مورد رابطهء نیروهای چند ملیتی تحت فرماندهی امریکا در عراق و دولت جدید عراق در قطعنامه بگنجانند. به این ترتیب حضور نیروهای خارجی تحت فرماندهی امریکا در عراق به اجازهء دولت عراق مربوط خواهد بود و این دولت حق خواهد داشت تا هر زمانی که بخواهد خواهان خروج نیروهای خارجی از عراق گردد.

پیشتر پل برمر حاکم امریکایی عراق نیز گفته بود که اگر دولت آیندهء عراق بخواهد، امریکا نیروهایش را از عراق بیرون خواهد برد.

آیا دولت آینده پس از انتقال قدرت خواهان خروج نیروهای خارجی از عراق خواهد شد؟

بعضی از ناظران سیاسی به این نظرند که با خروج نیرو های خارجی از عراق، وضع در این کشور بد تر خواهد شد. تعدد قومی و مذهبی و جنگ بر سر تصاحب قدرت این کشور را به یک جنگ خونین داخلی خواهد کشانید که در فرجام کار، تجزیهء این کشور را به دنبال خواهد داشت و از تأثیرات منفی بی ثباتی در عراق همسایگان این کشور نیز در امان نخواهند ماند.

ص۷

توسط کمیسیون اصلاحات اداری

برخی از پست های وزارت خارجه به داوطلبی گذاشته شد

قرار چشم دید شاهدان بر در ودیوارهای وزارت خارجه اطلاعیه یی مؤرخ ۱۷ جوزا از سوی کمیسیون اصلاحات اداری نصب گردیده است که در آن ها بست های درجه سوم آن وزارت خانه به معرض داوطلبی گذاشته شده است.

در این اطلاعیه برای داوطلبان این پست ها شروطی در نظر گرفته شده است. دانستن یک زبان خارجی و داشتن تحصیلات عالی وآشنایی با کامپیوتر وداشتن تجربهٔ کار در وزارت خارجه ودانستن زبان های دری وپشتو از جملهٔ این شرط هاست.

بی تردید اصلاحات اداری باید برای بخش های مختلف صلاحیت ها وظرفیت های ویژهٔ آن عرصه را در نظر گیرد که برخی از این شرط ها برای متصدیان عرصهٔ روابط بین الملل بسیار ضروری به چشم می خورد، ولی برخی از این شرط های آمده در این اطلاعیه از دید بسیاری از صاحب نظران نه تنها ضروری و کارشناسانه نیست که نشأت از ملحوظات غیر ملی وتنگ نظرانه دارد.

به گونهٔ مثال شرط کردن تسلط بر دو زبان دری وپشتو برای کارمندان این پست ها در وزارت خارجه گذشته از آن که اصلاحاتی به بار نمی آورد مخالف همه قوانین واعراف اداری افغانستان تلقی می شود، چون تاهنوز در ادارهٔ افغانستان یک چنین شرطی برای هیچ سمت دولتی در هیچ وقتی نهاده نشده است وافزون بر آن به بسیار ندرت می توان کسانی را در افغانستان یافت که بر دو زبان پشتو و دری تسلط داشته باشند. به باور این صاحب نظران این شرط وحدت ملی آسیب دیده را صدمه می زند وموجب بحرانی تازه می گردد.

په زابل کی پنځه تنه طالب جنګیالی و وژل شول

دخبری سرچینو په وینا په دی وروستیو کی دافغانستان په جنوبی سیموکی دائتلاف په ځواکونو باندی بریدونو زیاتوالی موندلی. د ائتلاف ویاند پورتنی ټکی ته په اشارې سره ددغو بریدونو دزیاتوالی لامل په دغو سیموکی دامریکائی سرتیر دشمیری زیاتوالی وباله او وی ویل اوس په دغو سیموکی څه دپاسه شل زره امریکائی سرتیری په عملیاتو بوخت دی نوموړی زیاته کړه چی دوی دعملیاتو په مقصد دسیمی له خلکو څخه د معلوماتو د راټولولو یوه نوی ستراتیژی غوره کړی ده.

د زابل ولایت دمیانشین په ولسوالی کی امریکائی او دولتی سر تیرو دیوه برید په ترڅ کی پنځه تنه طالب جنګیالی وژلی دی.

بخلوا د نوموړی سیمی دځائی چارواکو په وینا په یوه بل برید کی ځوارلس تنه طالبان و وژل شول او اته تنه نور نیول شوی دی.

د زابل ولایت دوالی په وینا د دغو جګړو په بهیر کی طالبانو د نوموړی سیمی ټول مکتبونه سوزولی دی.

نقاش شهیر ایتالیایی محمد فیروتی:

من پس از حادثهٔ یازدهم سپتامبر مسلمان شدم

درخانواده یی سکولار بزرگ شدم... وبرای نخستین بار پس از اسلام آوردن، احساس اطمینان و آرامش کردم

منبع: مجلهٔ المجتمع شمارهٔ ۱۶۰۳

برگرداننده: فرزاد هاشمی نژاد

محمد فیروتی نقاش معروف وپر آوازهٔ ایتالیایی، یکی از هزاران انسانی است که حادثهٔ یازدهم سپتامبر، مرحله یی سرنوشت ساز در زندگی اش محسوب می شود، پس از فروریزی آسمان خراش های نیویورک، موجی از دشمنی در برابر هر پدیدهٔ اسلامی، انتباه او را به خود معطوف کرد، واین امر او را واداشت تا به مطالعه وتحقیق در پیرامون اسلام ومسلمانان بپردازد و در شمار کسانی در اید که به حقانیت اسلام قناعت کرده اند وبه آن را مثابهٔ برترین دین، قبول نموده اند. نامبرده در یک گفتگویی صمیمانه بامجلهٔ عربی زبان المجتمع، داستان هجرت خود به سوی خدا را روایت می کند:

● از خصوصیات زندگی تان پیش از مشرف شدن به اسلام چیزی بگویید؟

□ من قبل از هدایت شدن به اسلام، در یک خانوادهٔ لائیک وسکولار زندگی می کردم؛ خانواده یی که چیزی را به نام دین وایمان نمی شناخت. پدر ومادرم علی رغم این که منسوب به نصرانیتند، متأسفانه از تعالیم نصرانیت هیچ چیزی نمی دانند، ورابطه یی باکلیسا ندارند، تنها چیزی که آنان را به خود مشغول داشته است، بهره گیری از زندگی مادی وفرو رفتن در لذات حیوانی است، ولیکن من از همان اوانی که با هنر نقاشی پیوند یافته ام، بزرگ ترین مشغلهٔ زندگی ام، به عنوان یک نقاش، همین هنر زیبای نقاشی ولوحه های نقاشی کرده ام بوده است.

● پیش از ایمان آوردن ، در بارهٔ اسلام ومسلمانان چه نظری داشتید؟

□ بر رغم این که اسلام، دین جهانی است وشمار زیادی از باشندگان دنیا، به آن تدین می ورزند، من مانند سایر ایتالیایی ها واروپایی ها در مورد اسلام، نظری نادرست وناشیانه داشتم، رسانه های جمعی ومطبوعات در غرب، برای وارونه جلوه دادن چهرهٔ اسلام ومسلمانان، از هیچ گونه تبلیغ وشایعه یی دریغ نمی کنند، تصور اروپایی ها این است که اسلام دین ترور، خشونت وعداوت است ومسلمانان مردمانی تخریب کار، عقده مند، دزد، تروریست ومتعصبند که برای دشمنی باغرب وتمدن آن کمر بسته اند!

در غرب و اروپا، مسلمانان را انسان های جاهل، قسی القلب و متحجر قرون وسطایی، می دانند وبدون شک رسانه های همگانی غرب، تا حدود زیادی در برانگیختن احساسات مردم برضد اسلام ومسلمانان ودر هراساندن مردم از دین، موفق شده اند.

● چه وقت دین اسلام را شناختی وچگونه مسلمان شدی؟

□ پس از فاجعهٔ یازدهم سپتامبر، باخود فیصله کردم که باید حقیقت این دین(اسلام) را بدانم چه این حادثهٔ دل خراش، پیامدی ناگوار وغیر قابل تحمل برای نسل های مسلمان در آمریکا واروپا برجای گذاشت، وبا استفاده از این فرصت، وسایل اطلاعات جمعی غرب، به خدشه دار کردن چهرهٔ اسلام پرداختند وشایعه افگندند که ترور وخشونت مسلمانان منبعث از دین وعقیده یی است که آنان به آن معتقد ومنسوب هستند، واین موضوع احساس بسیاری از مردم، از جمله مرا برانگیخت تا در بارهٔ اسلام وشناخت ماهیت آن مطالعه کنم. از این رو از برخی دانشمندان عرب ومسلمان مقیم در روم خواستم که کتاب های اسلامی ترجمه شده به انگلیسی را، در اختیارم قرار دهند. زمانی که به خواندن ومطالعهٔ این آثار وترجمه ها، آغازیدم، عظمت وبرتری این دین را درک کردم وبه دروغ وخطاهای تمام معلومات و داشته های سابقه ام پی بردم وبرای کسب معلومات بیشتر به شبکه های اینترنت روی آوردم و از این راه هم معلوماتی جمع آوری شد و بر زوایای تاریک

زمانی که به خواندن ومطالعهٔ این آثار وترجمه ها، آغاز کردم، عظمت وبرتری این دین را درک کردم وبه دروغ وخطاهای تمام معلومات و داشته های سابقه ام پی بردم

ص۷